خراسان
• دوشنبه، ۵ خرداد ۱۴۰۴
• شماره ۲۱۷۷۸
• ۲۸ ذی القعده ۱۴۴۶
• ۲۶ می ۲۰۲۵
WWW.KHORASANONLIN.IR

عامل قتل خیابانی در مشهد بیان کرد

«شکست عشقی» راز پنهان جنایت!

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

مرد ۵۶ ساله ای که مدعی بود بعد از یک شکست عشقی دیگر هیچ گاه ازدواج نکرده است، ریشه های جنایت هولناک خود را به یک ماجرای عاشقانه گره زد که شعله های آن زندگی اش را سوزاند.

متهم این پرونده جنایی که هاله ای از ندامت، چهره چروکیده اش را فرا گرفته بود، در حالی که با چشمانی اشکبار تقویم زندگی خود را به سال های تلخ و تاسف بار گذشته ورق می زد، به سوالات خبرنگار ارشد روزنامه خراسان درباره سرگذشت خود چنین پاسخ داد.

نامت چیست؟ احمد-ر.

چند ساله هستی؟ ۵۶ سال دارم.

تا چه مقطعی تحصیل کرده ای؟ تا کلاس اول راهنمایی درس خواندم.

اهل مشهدی؟ بله!

چرا ادامه تحصیل ندادی؟ چون به زرگری و طلاسازی علاقه عجیبی داشتم؛ برای همین درس و مدرسه را رها کردم و از همان دوران کودکی وارد کار زرگری شدم!

چه شد که به زرگری علاقه پیدا کردی؟ برادر بزرگ ترم در زمینه طلا و جواهر فعالیت می کرد و من هم که با او بودم به این کار علاقه مند شدم.

پدرت هم زرگر بود؟ نه! او کشاورزی می کرد اما سال ها قبل از دنیا رفت.

متاهلی؟ نه مجردم!

یعنی از همسرت جدا شده ای؟ به طور رسمی هیچ وقت ازدواج نکردم چرا که در یک ماجرای عاشقانه شکست خوردم و از آن به بعد نه تنها شعله های این عشق زندگی ام را سوزاند بلکه سرنوشتم نیز تغییر کرد و آینده ام نابود شد.

با هم در خیابان آشنا شده بودید؟ به شکل آشنایی های امروزی نه! ولی آن دختر، خواهر یکی از دوستانم بود که به طور جنون آمیزی عاشقش شدم!

چه شد که تو را ترک کرد؟ من تا ۳۵ سالگی ازدواج نکرده بودم. تا این که عاشق «ترانه» شدم و به یکدیگر علاقه مند شدیم. او در دانشگاه تدریس می کرد و من هم در زرگری فعالیت داشتم. آن روزها در وضعیت مناسبی به سر می بردم حتی به باشگاه پرورش اندام می رفتم و به صورت جدی ورزش می کردم. این ارتباط عاشقانه حدود یک سال طول کشید ولی متاسفانه در این شرایط من مسیر خلاف را در پیش گرفتم و به سراغ موادمخدر رفتم. وقتی او شرایط را این گونه دید، مرا رها کرد و به دنبال سرنوشت خودش رفت. دیگر وضعیت روحی و روانی مناسبی نداشتم. این شکست عشقی مرا به شدت افسرده کرد تا جایی که ۳ بار دست به خودکشی زدم چرا که خیلی زجر می کشیدم.

فکر نمی کنی تصمیم های احمقانه ای می گرفتی؟ آن زمان متوجه رفتارهایم نبودم چرا که دچار افسردگی شده بودم. اولین بار تعداد زیادی قرص اعصاب و روان خوردم و یک بار هم خودم را از چارچوب در حلق آویز کردم که هربار مادرم متوجه شد و مرا نجات داد. آخرین بار نیز مقداری موادمخدر تزریق کردم که مرا به بیمارستان رساندند و ۳ روز آن جا بستری بودم ولی وقتی از مرگ نجات یافتم به آرامی از بیمارستان فرار کردم. حتی یک بار با موتورسیکلت به کوه های بینالود رفتم و خودم را به همراه موتورسیکلت از بالای کوه به پایین پرت کردم که دهان و فکم شکست. هنگامی که اهالی روستای نیشابور برای کمک به من آمده بودند، به آن ها ناسزا می گفتم که نجاتم ندهند.

چگونه معتاد شدی؟ خودم نفهمیدم چگونه در چنگال مواد افیونی افتادم. ولی از همان ابتدا به سراغ موادمخدر صنعتی شیشه رفتم و خیلی زود هم تزریقی شدم.

خانواده ات در جریان اعتیاد تو بودند؟ بله! آن ها می دانستند ولی من در بیرون از خانه مصرف می کردم و بعد به خانه پدرم می آمدم به همین خاطر هم از پاتوق های اعتیاد سردرآوردم و روزگارم هر روز سیاه تر از گذشته شد.

با مجتبی (مقتول) چگونه آشنا شدی؟ من با او رفاقت نداشتم فقط یکی دوبار در همین پاتوق ضایعاتی او را دیده بودم که مواد مصرف می کردیم.

چند مدت بود که او را دیده بودی؟ مدت زیادی نبود، فقط یک بار فلز زرد رنگ به پاتوق آورد و به من داد تا تشخیص بدهم که او طلا پیدا کرده است یا نه؟! ولی خب آن ها همه آشغال های زرد رنگ بودند!

چه شد که باهم درگیر شدید؟ آن شب برای خرید شیشه به پاتوق رفته بودم که وقتی بیرون آمدیم او دید که من بیشتر از ۱۰ میلیون تومان وجه نقد دارم؛ ولی اصل ماجرا به خاطر موادمخدر رخ داد که من هم با میله ای نوک تیز به سر و بازویش زدم. البته قبل از آن او کمربندش را بیرون کشید و ضربه ای به سرم زد، بعد هم وقتی روی زمین افتاد من ترسیدم و در تاریکی شب فرار کردم.

پشیمانی؟ خیلی! مگر می شود چنین حادثه وحشتناکی در زندگی کسی رخ بدهد بعد پشیمان نشود! کاش خودم را کنترل می کردم ولی متاسفانه موادمخدر در این شرایط عقل را زایل می کند!

اکنون دلت برای چه چیزی تنگ می شود؟ برای کبوترهایم! من عاشق کبوتر هستم و کبوتربازی می کنم!

ریشه این جنایت را در چه می دانی؟ کاملا مشخص است، شکست عشقی و بعد هم موادمخدر صنعتی! اگر به دنبال موادنمی رفتم شاید سرنوشتم به گونه دیگری رقم می خورد.

از چه زمانی به پاتوق مواد مخدر می رفتی؟ از سال ها قبل برای مصرف موادمخدر به پاتوق ها می رفتم اما از حدود ۲ ماه قبل با پاتوق نشینان محل حادثه آشنا شده بودم!

اگر زمان به گذشته بازگردد، کدام کار اشتباه را تکرار نمی کنی؟ فقط دور موادرا خط می کشیدم. متاسفانه مواد مخدر ریشه همه بدبختی هاست؛ اما در روزهای جوانی همه دنبال سرخوشی های کاذب آن هستند! زمانی هم که متوجه تباهی می شوند که دیگر خیلی دیر شده است!

سابقه جنایت

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در اولین ساعات بامداد هجدهم اردیبهشت، یکی از اهالی خیابان شهید کریمی ۱۸ با مشاهده پیکر خون آلود مردی که کف آسفالت خیابان افتاده بود، با نیروهای امدادی تماس گرفت و بدین ترتیب امدادگران اورژانس هنگامی مرد ۵۰ ساله را به بیمارستان خاتم الانبیاء (نزدیک ترین مرکز درمانی) انتقال دادند که معاینات پزشکی نشان دادوی علایم حیاتی ندارد و به قتل رسیده است. طولی نکشید که گروه تخصصی از افسران انتظامی با هدایت شبانه سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفا) وارد عمل شدند و تحقیقات گسترده ای را با دستور قاضی خاکشور (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) برای شناسایی عامل یا عاملان جنایت آغاز کردند. با توجه به فرضیه های گوناگونی که در مرکز انتظامی پیگیری می شد، گروه ویژه کارآگاهان اداره جنایی نیز با نظارت سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی) به واکاوی این جنایت هولناک پرداختند و موفق شدند همزمان با بررسی دوربین های مداربسته، مرد ۵۶ ساله ای را شناسایی کنند که تصاویر درگیری وی با مجتبی (مقتول) ضبط شده بود. بنابراین گروه عملیاتی کارآگاهان به سرپرستی سروان آرمین منفرد (افسرپرونده) به رصدهای اطلاعاتی فنی پرداختند و خیلی زود عامل این جنایت هولناک را دستگیر کردند.

رئیس پلیس مشهد تشریح کرد

شلیک پلیس برای دستگیری زورگیرهای خشن!

سید خلیل سجادپور- نیروهای کلانتری آبکوه مشهد در حالی با تیراندازی شبانه، یکی از زورگیران موتورسوار را به دام انداختند که همدست وی با استفاده از تاریکی شب گریخت.

رئیس پلیس مشهد، روز گذشته در تشریح این ماجرا به خبرنگار ارشد روزنامه خراسان گفت: در پی وقوع چندین فقره گوشی قاپی در مناطق مختلف شمال غربی مشهد، گروه ورزیده ای از افسران گشت انتظامی با نظارت مستقیم سرهنگ روح ا... لطفی (رئیس کلانتری آبکوه) تحقیقات گسترده ای را برای شناسایی موتورسواران گوشی قاپ آغاز کردند.

در همین حال عوامل انتظامی که خیابان های محل تردد احتمالی زورگیران را به قرق خود درآورده بودند، ناگهان در خیابان شهید فرامرز عباسی به دو جوان موتورسوار مشکوک شدند که رفتارهای نامتعارفی داشتند.

سرهنگ محمدچراغ افزود: اما به محض این که افسران گشت به طرف موتورسواران حرکت کردند، آنان به طرز وحشتناکی ویراژ دادند و در حالی که به طرف ماموران انتظامی افشانه فلفل را اسپری می کردند، به داخل کوچه پس کوچه ها گریختند.

کلیددار امنیت مشهد تصریح کرد: در این هنگام عوامل انتظامی به ناچار اقدام به تیراندازی هوایی کردند و با اخطارهای قانونی سعی داشتند تا دو جوان موتورسوار را متوقف کنند؛ اما آن ها بدون توجه به اخطارهای پلیس همچنان به فرار ادامه می دادند تا این که یکی از افسران گشت، لاستیک موتورسیکلت را هدف گرفت و با شلیک گلوله، موتورسیکلت واژگون شد.

طولی نکشید که موتورسواران در حالی به محاصره پلیس درآمدند که هر کدام از آنان با قمه و افشانه فلفل با نیروهای انتظامی درگیر شدند.

سرهنگ چراغ با اشاره به دستگیری یکی از زورگیران خشن اضافه کرد: در این شرایط عوامل انتظامی حلقه های قانون را بر دستان یکی از متهمان گره زدند اما همدست وی با استفاده از تاریکی شب به داخل کوچه های فرعی گریخت. وی گفت: با انتقال متهم دستگیرشده به مرکز انتظامی، بررسی های پلیسی آغاز و مشخص شد که موتورسیکلت قرمزرنگ مورد استفاده متهمان نیز سرقتی است.

فرمانده انتظامی مشهد خاطرنشان کرد: تاکنون ۹ تن از مالباختگان گوشی تلفن همراه با مراجعه به کلانتری متهم مذکور را شناسایی کرده اند اما بررسی های تخصصی برای دستگیری متهم فراری در حالی ادامه دارد که احتمال می رود آن ها راز سرقت های بیشتری را فاش کنند.

در امتداد تاریکی

فریاد بی صدا!

به خاطر سرخوردگی های خانوادگی و این که مدام با خواهر کوچک ترم مقایسه می شدم، به سوی خودنمایی های دروغینی رفتم تا من هم توانایی هایم را به رخ دیگران بکشم؛ اما در این میان...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، دختر ۲۵ ساله که آخرین سال تحصیلی خود را در یکی از رشته های زیرمجموعه پزشکی می گذراند، در حالی که مدعی بود به دلیل اعتیاد به قرص های روانگردان و انرژی زا، دیگر توان ادامه تحصیل را ندارد، درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: از همان دوران کودکی احساس می کردم هیچ وقت کسی به من توجهی ندارد؛ با آن که همواره در تلاش بودم تا خانواده و اطرافیان مرا ببینند ولی این تلاش ها نافرجام بود و اعضای خانواده ام مدام از رفتارها و اخلاق خواهر کوچک ترم تمجید می کردند چرا که او دختری پرانرژی و بازیگوش بود و نظر دیگران را به خود جلب می کرد. در این شرایط پدر و مادرم فقط مرا با او مقایسه می کردند و همیشه در این قیاس های کودکانه من تنها بودم که شکست می خوردم! به همین دلیل تنها راه خودنمایی را در درس خواندن دیدم. خواهر کوچک ترم استعدادی در تحصیل نداشت اما من دختری درس خوان بودم و همواره از سوی معلمانم تشویق می شدم.

این موضوع تنها نقطه قوت من برای جلب توجه اعضای خانواده ام بود. خلاصه با عشق درس می خواندم و نمرات خوبی می گرفتم تا این که در آزمون سراسری شرکت کردم و در یکی از رشته های مهم زیرمجموعه پزشکی پذیرفته شدم. اگرچه تحصیل در این رشته دانشگاهی برای خیلی از اطرافیانم آرزو بود اما پدر و مادرم فقط به یک تبریک خالی بسنده کردند؛ طوری که گویی کار مهمی نکرده ام! چرا که آن ها انتظار داشتند حداقل در یکی از رشته های پزشکی، دندان پزشکی یا داروسازی پذیرفته می شدم! با آن که پدرم اوضاع مالی خوبی داشت و مادرم نیز کارمند بازنشسته بود ولی آن ها مرا مجبور کردند برای تامین هزینه های تحصیلم کار کنم! این بود که به صورت پاره وقت در یک فروشگاه مواد غذایی (فست فود) مشغول کار شدم.

طولی نکشید که نمراتم پایین آمد و از نظر تحصیلی به شدت افت کردم. دیگر تمرکزی روی درس هایم نداشتم و خانواده ام نیز فقط پول توجیبی اندکی به من می دادند. در عین حال برای فرار از قیاس های نامتعارف، خودم را با کار و تحصیل سرگرم می کردم و سعی داشتم فقط شب ها هنگام خواب به خانه بروم. خلاصه در یکی از همین روزها بود که «سوزان» (یکی از همکلاسی ها) پیشنهاد داد برای داشتن انرژی بیشتر و فرار از خستگی های ناشی از درس خواندن، نوعی قرص های انرژی زا مصرف کنم! من هم برای آن که همچنان نمرات بالا بگیرم و این گونه خودم را به خانواده ام اثبات کنم، پیشنهاد او را پذیرفتم و برای اولین بار از قرص هایی استفاده کردم که «سوزان» در اختیارم گذاشت! آن شب خیلی بیدار ماندم و کتاب درسی را تا آخرین برگ خواندم! فکر می کردم انرژی بیشتری برای درس خواندن دارم اما نمی دانستم با آینده و زندگی ام بازی می کنم! خیلی زود به مصرف این قرص ها معتاد شدم و هر روز دوز مصرفم نیز بالاتر رفت. کار به جایی رسید که اگر شبی از این قرص های لعنتی استفاده نمی کردم، به دختری عصبی و پرخاشگر تبدیل می شدم که همه چیز را به هم می ریختم و با جیغ و فریادهایم دیگران را آزار می دادم. حالا در برابر حرف های منطقی اطرافیانم نیز جبهه می گرفتم و دیگر نمی توانستم بدون مصرف این قرص ها زندگی کنم! در این وضعیت بود که برای پیدا کردن آرامش روحی، مصرف سیگار و الکل را هم شروع کردم و به طور کلی در مسیر تباهی قدم گذاشتم.

اکنون که متوجه شده ام در سراب یافتن آرامش و تنها برای فرار از قیاس های اشتباه، خودم را نابود کرده ام به پیشنهاد یکی از دوستانم به مرکز انتظامی آمدم تا شاید در آخرین سال تحصیلی بتوانم به مسیر صحیح زندگی بازگردم؛ اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: اهمیت سرنوشت تحصیل و زندگی این دختر جوان، موجب شد تا سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفای مشهد) دستورهای ویژه ای را برای اقدامات درمانی و رهایی وی از چنگ قرص های روانگردان صادر کند. از سوی دیگر نیز تلاش های کارشناسان زبده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری، برای بررسی های روان شناختی و معرفی وی به مراکز تخصصی مشاوره ای پلیس آغاز شد.

بر اساس ماجرای واقعی در زیر پوست شهر

آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای به شماره ۱۴۰۴/۰۱

شرکت تعاونی فنی و مهندسی کارکنان ایران خودرو خراسان در نظر دارد

اقلام و دستگاههای مرتبط با خط تولید لنت ترمز خودرو

را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند لذا متقاضیان می توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه بصورت حضوری در ساعت اداری از تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ به آدرس، مشهد- نبش چراغچی ۴۵- طبقه فوقانی نمایندگی ۳۰۷۱ ایران خودرو -واحد بازرگانی مراجعه و یا از طریق سایت اینترنتی www.tfmikkco.ir به اسناد دسترسی داشته باشند.

تاریخ گشایش پاکتها در روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ ساعت ۱۱ می باشد.

-این شرکت در رد یک یا کلیه پیشنهادات دریافتی مختار است.

شماره تماس: آقای رضا بخشنده ۰۹۱۵۵۷۱۰۲۱۴ و مجتبی شمس آبادی ۰۹۱۵۶۴۴۹۰۳۵

۱۲۷۰۷۹

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای سید رضا حسینی فرزند سید هاشم و زهرا رضائی عبدل آبادی فرزند عباسعلی به استناد ۴ برگ کپی استشهادیه گواهی شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۶ فیض آباد متضم به تقاضای کتبی مالکین جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یکباب منزل به مساحت کل ۲۱۰.۴۸ متر مربع پلاک ۲۳۷۶ جزی از ۸۷۷ فرعی واقع در اراضی عبدل آباد پلاک یک اصلی بخش دو که بصورت مشاعی متعلق به تامبرگان فوق میباشد به علت سهل انگاری مفقود شده است با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد سند مالکیت ششدانگ اولیه بنام آقای سید رضا حسینی در دفتر املاک الکترونیک ۱۴۰۲۲۰۳۰۶۰۲۳۰۰۰۵۴۲ به شماره سریال ۹۹۰۳۲۳ سری ب سال ۱۴۰۰ نسبت سه دانگ مشاع از ششدانگ و خانم زهرا رضائی عبدل آبادی در دفتر املاک الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۶۰۲۳۰۰۰۵۴۳ به شماره سریال ۹۹۰۳۲۴ سری ب سال ۱۴۰۰ نسبت به سه دانگ دیگر مشاع از ششدانگ صادر و تسلیم گردیده است. سوابق ثبتی و دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذابه استناد قسمت پنج تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یاسند معامله رسمی تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضاء مهلت مقرر عدم ارسال اعتراض سند مالکیت المثنی طبق مقررات صادر و به متقاضی تحویل خواهد شد.م الف ۷۰۴۰۴۰۲۷

علی احمدی -رئیس ثبت اسناد و املاک مه ولات

۱۲۷۰۳۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۲۷۰۰۰۶۰۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه چهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم ابراهیمی فرزند مراد علی بشماره شناسنامه ۷ صادره از چناران در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۳ اصلی بخش ۱۰ واقع در اراض مهرآباد انتقال به طریق الارث از محل مالکیت مرحوم مراد علی آهنگری روشناوند (که نام خانوادگی به ابراهیمی تغییر یافته) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۶۴۳۵

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۳/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

حمید رضا افشار -رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۴ مشهد

۱۲۷۰۷۵